

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال شانزدهم شماره ۳۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۲۸-۹)

تحلیل الگوی خویشکاری پریان در داستان‌های غنایی شاهنامه

۱- محمود آقاخانی بیژنی ۲- اسحاق طغیانی ۳- محسن محمدی فشارکی

چکیده

در داستان‌های غنایی شاهنامه بر ویژگی‌های مثبت و منفی عشق پریان به پهلوانان تأکید شده است و معمولاً در جامعه شکارگر و در مرز دشمن در کنار بیشه‌زارها نمودار می‌شوند که سعی در اغوای پهلوانان دارند. هدف آنان ربودن تخمه پهلوان همراه با عشق‌ورزی، زیبایی و بعضاً خواب و جادو است. در داستان بیژن و منیژه، رستم و سهراب، سیاوش و زال و رودابه، به ترتیب منیژه، تهمینه، مادر سیاوش و کنیزکان رودابه با خویشکاری پری با بیژن، رستم، گیو، کیکاووس و زال رابطه برقرار می‌کنند. هدف این پژوهش تحلیل الگوی خویشکاری و ساختار سیاسی - اجتماعی پریان در داستان‌های غنایی شاهنامه و چرایی عشق‌ورزی آنان به پهلوانان است. روش این پژوهش، تحلیلی - توصیفی است. پس از یاری گرفتن از منابع گوناگون و تحلیل ابیات شاهنامه می‌توان چنین گفت که برخی از الگوهای ساختاری پریان در داستان‌های غنایی شاهنامه بدین گونه است: ۱. جامعه شکارگر و به شکار رفتن پهلوان، ۲. پیوند پری با بیشه‌زار و آب در مرز دشمن، ۳. پیکرینه شدن پری و رویارویی با آن، ۴. زیبایی، جادوئی و فریبندگی خیره‌کننده پری و... مهم‌ترین کارکرد ساختار سیاسی - اجتماعی آنان، الگوی باروری و زایش و اغوای قهرمانان و شاهان برای ربودن تخمه و نابودی قبیله دشمن است.

کلیدواژه‌ها: داستان‌های غنایی شاهنامه، عشق‌ورزی پریان، پری، پهلوان، ساختارگرایی.

Email: aghakhani46@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری ادبیات حماسی دانشگاه اصفهان

Email: etoghiani@yahoo.com

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

Email: fesharaki311@yahoo.com

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۵

۱- مقدمه

حضور پریان و عشق‌ورزی آنان به پهلوانان در شاهنامه نمودی بارز دارد که در داستان بیژن و منیژه، زال و رودابه، رستم و سهراب و سیاوش بر این مسئله تاکید شده است. به‌شمار آوردن داستان رستم و سهراب و سیاوش در حوزه داستان‌های غنایی شاهنامه، حضور تهمینه و مادر سیاوش در نقش پری و عشق‌ورزی آنان بر رستم و کیکاووس که در لایه‌های زیرین ابیات مستتر است. پریان در جامعه پیشازرتشتی پرستش می‌شدند؛ اما با پذیرش دین زرتشت و تکیه بر آموزه‌های اوستا، سبب مردود اعلام شدن آنان می‌شود و از مسند خدایی به زیر کشانده شده و موجوداتی اهریمنی به‌شمار آمده‌اند. در متون دوران اسلامی و توجه بر جنبه‌های مثبت پریان، پرستش پریان به عشق-ورزی آنان به پهلوانان در متون ادبی و حماسی تغییر می‌کند؛ اگرچه عشق‌ورزی با آنان در شاهنامه سبب گرفتارشدن پهلوان می‌شود. به همین دلیل در شاهنامه، نگاهی دوسویه به پری وجود دارد: از سویی مثبت و با نقش‌هایی همچون عشق‌ورزی، زیبایی، باروری، پیوند با آب و ناحیه‌های سرسبز و «جامه‌ پر که نشان از سابقه نقش بغانه آنان در بین اقوام آریا دارد» (مختاریان، ۱۳۹۲: ۶۲) و از سوی دیگر، منفی که «سعی در گمراه کردن پهلوانان دارد که سرانجام این پیوند، آوارگی، مرگ و گزند است» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۷).

۱-۱- بیان مساله و سؤالات تحقیق

واژه پری بازمانده پئیریکا (pairikâ) اوستایی است که در گذشته و در بخشی از سرزمین‌های ایران شرقی به‌عنوان ایزدبانوان باروری پرستش می‌شدند (رضی، ۱۳۸۱: ۵۳۷). در شاهنامه و در داستان بیژن و منیژه، رستم و سهراب، سیاوش و زال و رودابه به ترتیب منیژه، تهمینه، مادر سیاوش و همچنین کنیزکان رودابه با خویشکاری پری و عشق‌ورزی به پهلوانان و نیز شاهان ظاهر می‌شوند. برخی از پژوهشگران، برخورد رستم و اسفندیار با زن جادوگر در خان چهارم و «چگونگی ارتباط رودابه با زال را نیز برخاسته از جامعه پری می‌دانند» (رستگاری‌نژاد و باقری، ۱۳۹۴: ۷۸). مهم‌ترین سؤالات این پژوهش، یکی چرایی حضور پری در داستان‌های غنایی شاهنامه و آنکه چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چرا در دین زرتشتی مذموم و در کنار دیوان و جادوگران شمرده شده‌اند؟ و دیگر آنکه داستان‌های پریان در شاهنامه (به‌جز الگوی ساختارگرایانه پراب)، از چه الگویی پیروی می‌کنند؟ همچنین رودابه و چگونگی ارتباط او با زال را می‌توان مربوط به ساختار پریان دانست؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

ترسیم چرایی و چگونگی حضور پریان و عشق‌ورزی آنان به پهلوانان در داستان‌های غنایی شاهنامه و پیشینه آنان در اساطیر، آشنایی با تحلیل خویشکاری و ساختار سیاسی - اجتماعی آنان در شاهنامه از اهداف اصلی این پژوهش است. این پژوهش به شکل بنیادی، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی - توصیفی با شواهد درون‌متنی از شاهنامه فردوسی انجام شده است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

با بررسی‌ها و جستجوهای کتابخانه‌ای در مجلات و سایت‌های معتبر علمی، sid.ir, Noormags.com, magiran.com and irandoc.ir تاکنون در مورد پریان در شاهنامه پژوهش‌هایی انجام گرفته است از جمله: ۱. «پری (تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی) از بهمن سرکاراتی، پژوهش‌های فلسفی، ۱۳۵۰، سال ۲۳، شماره ۹۷-۱۰۰، ۱-۳۲. نویسنده با توجه به تحولات معنایی واژه پری، ویژگی باروری و زاینده‌گی پری را یک نقش مشترک هندواروپایی دانسته است. همچنین به چگونگی کارکرد اجتماعی و اعتقادی آنان پرداخته و به رابطه شخصیت ته‌مینه با داستان گرشاسپ و پری خنثائیتی (xnaθaiti) و دیگر صورت‌های مشابه اشاره کرده است. ۲. «سرزمین پریان در خاک مادستان» از مهرداد ملک‌زاده، نامه فرهنگستان، آذر ۱۳۸۱، سال ۵، شماره ۴، ص: ۱۴۷-۱۹۱. نویسنده اشاره می‌کند که نباید سرچشمه پریان را با آن نیروی جادوگری و جنگاوری در مفاهیم دینی هندواروپایی جستجو کرد؛ بلکه این افسانه‌ها برخاسته از سلسله سنت‌های ایرانی مربوط به قبیله‌ای موسوم به پریکانی هستند و قبیله «مرغه‌ای» را که به «کله بزی» معروف شده‌اند و در رودبار قزوین ساکن هستند از بازماندگان ستایشگر پریان می‌داند. ۳. «فرضیه‌ای درباره مادر سیاوش» از سجاد آیدنلو، نامه فرهنگستان، آذر ۱۳۸۴، سال ۷، شماره ۳، ص: ۲۷-۴۶. نویسنده علاوه بر ابیات شاهنامه، با توسل به دیگر متون ادبی ویژگی‌هایی همچون زیبارویی، کام‌ورزی، پیوند با آب را برای پری برمی‌شمارد و مادر سیاوش را پری به شمار می‌آورد. ۴. «ته‌مینه (ته‌میمه) کیست؟» از بهار مختاریان، نامه فرهنگستان، پاییز ۱۳۸۶، سال ۹، شماره ۳، ص: ۱۵۰-۱۷۹. نویسنده ضمن ریشه‌شناسی واژه پری و با قبول نظر سرکاراتی و همچنین با دانش اسطوره‌شناسی تطبیقی، ته‌مینه را پری به حساب می‌آورد و هدف ارتباط او با رستم را ربودن تخمه رستم و سپس نابودی قبیله پدر به دست فرزند (سهراب) می‌داند. ۵. «حضور ایزدانوان پیشین در شاهنامه» از سحر رستگاری‌نژاد و معصومه باقری، جستارهای ادبی، بهار ۱۳۹۴، سال ۴۸، شماره ۱، ص: ۶۷-۸۶. نویسندگان ضمن

بررسی نقش و کارکرد پری در متون اوستایی، پهلوی میانه و دوران اسلامی، به ویژگی‌هایی همچون زیبایی، کام‌ورزی، پیوند با آب و جادوگری اشاره می‌کند و رودابه را در شمار پریان به حساب می‌آورد. ۶. «ویژگی‌های پری در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه» از رضا ستاری و سوگل خسروی، جستارهای ادبی، پاییز ۱۳۹۴، سال ۴۸، شماره ۳، ص: ۱۱۵-۱۴۰. نویسندگان به ویژگی‌های پری شامل زیبایی، ارتباط با آب، ابراز عشق به پهلوانان و جادوگری در متون حماسی پس از شاهنامه از جمله *گرشاسب‌نامه*، *فرامرزن‌نامه*، *بهمن‌نامه*، *برزونامه*، *سام‌نامه* و... پرداخته‌اند. ۷. «یکی داستان است پر آب و چشم» از جلال خالقی‌مطلق از کتاب *گل رنج‌های کهن*، به کوشش علی‌ده‌باشی، تهران: ثالث، ۱۳۸۸، ص: ۹۸-۵۳. در این پژوهش نویسنده با قبول نظر سرکاراتی، ته‌مینه را در شمار پریان به حساب می‌آورد. در پژوهش‌های ذکرشده به صورت پراکنده و اشاره‌وار (و حتی در برخی به صورت فرضیه) به برخی از ویژگی‌های پریان در داستان‌های شاهنامه پرداخته‌اند. اما نوآوری این پژوهش در این است تا با جستجو در اسطوره و حماسه ملی ایرانیان، ضمن بیان ویژگی‌های پری و اهریمنی بودن آن، به تحلیل خویشکاری پری و سیمای آن در داستان‌های غنایی شاهنامه از جمله داستان بیژن و منیژه، رستم و سهراب، سیاوش و زال و رودابه، با توجه به عناصر مشابه و پربسامد در داستان‌های مذکور، الگوی ساختاری و ساختار سیاسی - اجتماعی پریان و چرایی عشق‌ورزی آنان به پهلوانان را ترسیم کند. و نشان دهد که برخلاف نظر برخی از پژوهشگران از جمله رستگاری‌نژاد و باقری، نه رودابه؛ بلکه کنیزکان وی در نقش پری برای اغوای زال با این پهلوان روبه‌رو می‌شوند.

۲- بحث و بررسی

پریان، زنان جوان، زیبا و «ایزدبانوان باروری و زایش زمان‌های کهن بوده‌اند که پرستیده می‌شده‌اند» (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۶۵) و «پیشینه پیش‌آریایی یا هندوایرانی دارند» (هینلز، ۱۳۹۳: ۱۶۶). در دوران پرستش این ایزدبانوان، آیین ازدواج مقدس رواج داشته که بر اساس «اسطوره آفرینش نخستین» (همان: ۱۷۷) به وجود آمده است. بر اساس این اسطوره، زمین و آسمان با یکدیگر پیوند برقرار ساخته‌اند تا آفرینش جهان انجام گیرد؛ مانند اردویسور آناهید که ایزدبانوی ازلی است و در آغاز از او پسری زاده می‌شود و از ازدواج این مادر و پسر همه زادگان هستی پدیدار می‌گردند (شایست‌نشیست، ۱۳۶۹: ۲۳۵). پس پرستش آناهید در غرب آسیا رواج داشته است که با جوهر آب‌های نخستین هستی در پیوند است (مزدپور، ۱۳۵۴: ۴۶). در «آیین ازدواج مقدس، شاه با ایزدبانو

برای گسترش گیاهان و پدید آمدن برکت به گونه‌ای نمادین ازدواج می‌نموده است» (فریزر، ۱۳۸۸: ۱۸۱). در آیین مزدیسنان، پریان بسان یکی از مظاهر شر و از بوده‌های اهریمنی‌اند (رضی، ۱۳۸۱: ۵۳۷) که برای چیرگی به آنان به پهلوانان و پارسایان نیایش شده است. آنان پس از تحولی که زرتشت در ایران به وجود آورد، به تمامی تبدیل به موجودات منفی گردیدند و با اغوای قهرمانان، سعی در گمراه کردن آنان دارند. در *اوستا* پری با سه نام همراه است که شخصیت‌هایی کاملاً اهریمنی هستند: پری خنثائیتی به معنی وسوسه کردن؛ موش‌پری (*mūš*)، به معنی حرص و طمع و پری دژیایریه (*dužyāirya*) به معنی پری بد سالی (پورداوود، ۱۳۸۰: ۱۹۵). پری‌ها همچون سنگ‌های سرگردان آسمانی توصیف می‌شوند که میان آسمان و زمین در حرکت‌اند و مانع باریدن باران می‌شوند؛ به همین دلیل در *اوستا*، تیشتریه (*Tištriya*) به پیکر اسبی سفیدرنگ به دریا می‌آید و بر پری‌ها غلبه می‌کند و آن‌ها را درهم می‌شکند تا از خشک‌سالی جلوگیری کند؛ زیرا پئیریکاهای دژیایریه مانع بارش باران می‌شوند: «تیشتریه ستاره رایومند فرهمند را می‌ستایم. کسی که به پئیریکا-ها غلبه کند. کسی که پئیریکاهای را براند، آن‌وقت آن‌ها به شکل ستارگان دنباله‌دار در میان زمین و آسمان پرتاب شوند» (تیریش، بند ۸). در بند ۵۱ تیشتریشت، مردمانی که باصفت *duž vačah* به معنی «بدگفتار» یاد شده‌اند؛ کسانی بوده‌اند که نوآیینی زرتشتی را نپذیرفته و به دین نیاکان خود وفادار مانده‌اند و با پیروی از سنت دیرین و باورهای کهن هندواروپایی، پری را باصفت و لقب نخستینش؛ یعنی *huyāiryā* در معنای «خوش‌سالی» می‌خواندند و ایزدی که سال نیک و محصول خوب می‌آورد و سود و باروری می‌بخشد: «برای مقاومت کردن ضد آن پری [و او را] شکست دادن و برای چیره شدن و خصومتش را [به وی] برگردانیدن به آن [پری] خشک‌سالی که مردمان هرزه زبان، سال نیک آورنده می‌نامند». علاوه بر این، مفهوم دیگر خوب و بد بودن پری در مفهوم یاری‌رساننده و زیان‌رساننده از مایه‌های اساطیری/افسانه‌ای سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا شناخت آنان به ریشه‌های کهن این باورها بازمی‌گردد که زمانی از زمره خدایان و فرشتگان بوده و بعدها به دلیل تعارض مذهب و اختلاف دینی به‌ویژه به‌وسیله مغان از مقام ایزدی ساقط شده و در شمار دیو، جن، عفریت و پری به‌شمار آمده‌اند (رضی، ۱۳۸۱: ۵۳۸). در اصل داستان پریان، اسطوره همکاری اهریمن و زن جادو برای فریفتن پهلوان است و بر طبق آیین ایرانی، پری زنی زیبا و البته اهریمنی‌کیش است که مأموریت دارد پهلوان را - که بیشتر پهلوان دینی است - از راه راست منحرف کند (خالقی - مطلق، ۱۳۸۸: ۷۰).

در دیگر بخش‌های *اوستا* و از جمله در یسنا ۸/۱۶، زامیادیشث ۲۶/۲۸، آبان‌یشت ۵۰، سروش-یشت ۶ و تیریشت ۳۹ و ۴۴ از پری بسیار یاد شده است. چنین تکرارهایی بر اهمیت نقش پری در جامعه پیشازرتشتی حکایت دارد که «جایگاه و ارزش زیادی در باورهای مردم و نقش مهمی در شهریاری داشته‌اند» (رستگاری‌نژاد و باقری، ۱۳۹۴: ۶۸). در زامیادیشث (کرده ۵، بند ۲۸) نیز پادشاهانی هستند که با دیوان و جادوان و پری‌ها می‌جنگند و پیروز می‌شوند. در *شاهنامه* پری در دو شکل منفی (بینش زرتشتی) و مثبت (بینش پیشازرتشتی) معرفی می‌شود، اما غالباً پهلوانان در تضادی آیینی و دینی به نبرد با آنان می‌پردازند. پری در چهره مثبت و پیش زرتشتی، مقدسی است که به صورت زیباروی نیکویی ظاهر می‌شود که حتی دارای فره است و گاهی با یاری و سودرسانی به مردم در برابر اهریمن قرار می‌گیرد. در چهره منفی در *شاهنامه* اهریمنی است که پهلوانان و شاهان را فریب داده و بدین وسیله با آنان درمی‌آمیخته و سرانجام این پیوند، آوارگی، مرگ و گزند بوده است.

۱-۲- تحلیل الگوی خویشتکاری پریان در داستان‌های غنایی شاهنامه

پری با نقش منفی و مثبت در شاهنامه در داستان بیژن و منیژه، رستم و سهراب، سیاوش و زال و رودابه با توجه به عناصر ساختاری مشابه ظاهر می‌شود و معمولاً با آب، بیشه‌زار، افسونگری، پیکرینگی در جسم جانور شکاری (مانند گور، آهو و گوزن)، خواب و رؤیا، عشق‌ورزی به پهلوانان، دلدادگی، باروری، زیبایی و جوانی در پیوند است. اینک با توجه به وجود عناصر مشابه و پربسامد در داستان‌های غنایی شاهنامه به ترسیم الگوی خویشتکاری پریان می‌پردازیم.

۱-۱-۲- جامعه شکارگر و به شکار رفتن پهلوان

عنصری که از دید پژوهشگران پنهان مانده است، چرایی حضور پری در مرز دشمن و جامعه شکارگری است. داستان رستم و سهراب، با خارج شدن رستم از سرزمین خود به مقصد نخچیر (به شکار رفتن پهلوان) این‌گونه آغاز می‌شود:

غمی بددلش سازِ نخچیر کرد	کمر بست و ترکش پر از تیر کرد
چو نزدیکی مرز توران رسید	بیابان سراسر پر از گور دید

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۶۱)

چنین بن‌مایه‌ای در داستان سیاوش نیز حفظ شده است. گیو، گودرز و طوس به همراه چند سوار به نخچیر برای شکار می‌روند (همان: ۳۰۳). در داستان بیژن و منیژه نیز با به شکار رفتن بیژن و

نبرد با گرازان شروع می شود و بن مایه جامعه شکارگر حفظ شده است (همان: ۶۴۲). چنانکه می بینیم در هر سه داستان، با به شکار رفتن پهلوان داستان آغاز می شود و تکرار واژه «نخچیر» در این داستان ها به خوبی بیانگر جامعه شکار و شکارگری است (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۳۴۴) که چنین تکراری، بن مایه شکار را حفظ کرده و بر اهمیت آن تأکید کرده است. در چنین جوامعی حفظ تخمه و نژاد بسیار مهم و پراهمیت است. پس عنصر اصلی که در داستان های مذکور شاهنامه حفظ و تکرار شده است، به شکار رفتن پهلوان است که «می رساند مضمون پریان بازمانده اسطوره ها و داستان های اقوام بسیار کهن آریایی شکارگر است که رد پای پیوند نژادی آن» (مختاریان، ۱۳۹۲: ۶۱) در داستان بیژن و منیژه، رستم و سهراب و سیاوش باقی مانده است. زنان قهرمان این داستان ها در نظر قوم ایرانی و پس از اصلاحات دین زرتشتی، بیگانه و اهریمنی شمرده می شوند و به رغم فریبندگی آنان، می بایست از پیوند با آنان پرهیز کرد. در داستان زال و رودابه نقش پری به شکل واسطه مطرح می شود و درست آنجاکه رودابه از کنیزکان خود که از قوم ترک هستند می خواهد تا برای وصال او با زال چاره ای بیندیشند. کنیزکان که به علم جادو آشنا هستند در نقش پری ظاهر می شوند؛ به همین دلیل در این داستان نیز بن مایه شکار حفظ و بیان شده است؛ اما نکته مهم این است که پهلوان بعد از شکار نه با رودابه، بلکه با کنیزکان وی روبه رو می شود:

مه فوردین و سر سال بود لب رود لشکرگه زال بود
پیاده همی شد ز بهر شکار خشنسار بود اندر آن رودبار
(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۱۰)

۲-۱-۲. پیوند پری با بیشه زار و آب در مرز دشمن

یکی دیگر از نکته های مهم و تکراری در ارتباط با الگوی خویشکاری پریان در داستان های غنایی شاهنامه، پیوند زنانی چون تهمینه، مادر سیاوش و منیژه با آب و بیشه زار در مرز توران (دشمن) است. چرایی حضور پریان در کنار بیشه زارها، چشمه ها، جنگل ها و باغ ها را می توان در روزگاران کهن یافت که «پریان، ایزدبانوی زایش و باروری بودند و با آب های تازگی بخش و رویاننده و سرسبزی گیاهان و رستن در پیوند نزدیک بوده اند» (رستگاری نژاد و باقری، ۱۳۹۴: ۷۷). در داستان رستم و سهراب، روزی رستم به نخچیر می رود و گوران بسیاری شکار می کند. پس از شکار، به خواب می رود و رخش را در مرغزاری برای چرارها می سازد (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۶۱). در داستان سیاوش نیز بیان می شود که روزی گیو و توس برای شکار به نخچیرگاه می روند و در هنگام شکار

به بیشه‌ای نزدیک مرز توران می‌رسند. در آنجا با مادر سیاوش روبه‌رو می‌شوند؛ زیرا «بیشه از محل‌های اقامت و ظهور پریان است» (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۳۱).

یکی بیشه پیش اندر آمد ز دور به نزدیک مرز سواران تور
همی راند در پیش باطوس گیو پس اندر پرستنده‌یی چند نیو

به بیشه یکی خوبرخ یافتند پر از خنده لب هردو بشتافتند (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۰۴)

در داستان بیژن و منیژه نیز این بن‌مایه حفظ‌شده است (همان: ۶۴۴). در داستان زال و رودابه، زال در هنگام شکار در لب رود با کنیزکان رودابه روبه‌رو می‌شود و بن‌مایه پیوند پری با آب و بیشه‌زار حفظ و بیان‌شده است (همان: ۱۱۱). نکته‌ای که می‌توان بر آن تأکید بسیار کرد، چرایی حضور پری در مرز دشمن (توران‌زمین) است. حضور پریان در مرز دشمن به باورهای پیشازرتشتی اشاره دارد یا دوران زرتشت؟ پریان در گذشته به‌عنوان الهه کام‌ورزی و ایجاد نسل، «چنان اهمیت مقدسی داشته‌اند که ظاهراً قوم - قبیله‌ای به نام پریکانی که ساکنان مادستان بودند، آن‌ها را گرامی می‌داشتند و حتی می‌پرستیدند» (ملک‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۵۴). آنان در باور زرتشتی دشمن پنداشته شدند و موجوداتی اهریمنی به‌شمار آمدند؛ زیرا در آیین زرتشت (وندیداد/ فقره نهم)، آفریده شدن پری خنه‌ئیتی در سرزمین واکرته (کابل) به‌گونه‌ای با قلمرو اعقاب اژی‌دهاک پیوند می‌یابد (هینلز، ۱۳۹۳: ۱۶۶) و به‌طور ضمنی در *اوستا* از آنان در کنار جادوان و دیوان یادشده (یشت ۱/ ۶ و یشت ۴/ ۴) و از آنجاکه اهریمن او را در سرزمین هفتم آفریده، نوعی آفت اهریمنی شمرده‌شده است (مختاریان، ۱۳۹۲: ۴۶). آنان در وندیداد (فرگرد ۳/ بند ۷) به‌صراحت دیوزن خوانده می‌شوند. آمدن پری در کنار دیوان به این دلیل است که اگر پری را به دلیل سرشت شهوانی و نقش روسپیگری مقدس، ایزدبانوی باروری تصور کنیم، دیوان را نیز باید ایزدمردان تناسل در نظر گرفت؛ زیرا یکی از نقش‌هایی است که آن‌ها اختیار می‌کنند و در جامعه پس از تحولات زرتشتی مذموم معرفی می‌شوند. دیوها که پیش از تحولات دین زرتشتی، خدایان موردستایش جامعه هندوایرانی بوده‌اند، «پئیریکاها نیز چه‌بسا به‌صورت مؤنث آنان؛ یعنی ایزدان یا همسران دئوها بوده باشند که در تحولات دین زرتشتی، جنبه منفی پیدا کرده‌اند» (مختاریان، ۱۳۹۲: ۵۳). زرتشت بنا بر نیاز دستگاه دینی خود پریان را از مقام خویش فروکشید و تا همسانی با جهیکان تنزل داد (هینلز، ۱۳۹۳: ۱۶۶). گروهی اصلاحات دین زرتشتی را پذیرفتند و گروهی دیگر کماکان بر باورهای دیرین خود پابرجا ماندند. در این میان گروهی از آنان که در خراسان بزرگ و فرارودان ساکن بودند تورانی نامیده شدند و

انیرانی لقب گرفتند و بر گروهی هم انگ پریکانی خورد. شاید از این جهت که «قبیله پریکانی کافرکیشان وارث و حامل سنن روایی پریانی (و بعضاً نازرتشتی) بوده‌اند و پری‌ها و روان‌های پلید بیابانی را می‌پرستیدند» (ملک‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۵۲). پس از آنجاکه تورانیان را به دلیل نپذیرفتن دین زرتشتی در کنار دیوان و جادوگران - پیروی از دین آبا و اجداد خود و پرستش خدایان کهن آریایی - به‌شمار آورده‌اند، پریان را نیز با توجه به دلایل ذکر شده در ردیف تورانیان به‌حساب آورده‌اند. همچنین بومیان مادستان را به مناسبت پیروی از باورهای ناپسند، پریکا و انیرانی تصور کرده‌اند (دیاکونوف، ۱۳۷۹: ۳۱۱) و به همین دلیل است که در شاهنامه در مرز توران‌زمین (دشمن) پدیدار می‌شوند که سعی در اغوای پهلوانان ایرانی دارند؛ حتی کینزکان رودابه نیز از قوم ترک (/تورانیان) هستند که سبب پیوند زال و رودابه می‌شوند. پس «جبهه‌گیری منفی قوم روایتگر در قبال پئیریکا (پریان) ناشی از تحول در معتقدات دینی است» (مختاریان، ۱۳۹۲: ۶۱)، درست مانند همان رویکردی که نسبت به دئوها (دیوان) وجود داشت (عظیمی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۷). پریان را «می‌توان در اصل زنانی از قبیله دشمن پنداشت که با نقش سیاسی - اجتماعی خود با کارکرد زاینده‌گی و باروری، مزدیسنائیان را از راه راست دور می‌کنند» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۲). در واقع این عمل در ضدیت با آیین خویدوده (Xwēdōdah)؛ یعنی خویشاوند همسری (زناشویی میان آزادگان و ازدواج با خویشاوندان و افراد قبیله) و دیگر آیین‌های حفظ تخمه و نژاد است؛ چراکه حفظ تخمه و نژاد در گذشته از اهمیت بسیار مهمی برخوردار بوده است و پرورش چنین داستان‌هایی نیز تحت تأثیر چنین باوری است (مختاریان، ۱۳۹۲: ۶۱)؛ بنابراین پریان از نژاد دشمن نبوده‌اند و پس از اصلاحات زرتشتی، سرشت اساطیری آنان در متون حماسی و تبدیل پری اساطیری به انسان حماسی، دختر یا تجسم حماسی - داستانی پری را به تباری تورانی نسبت داده‌اند؛ به همین دلیل «نسبت دادن مادر سیاوش و نژاد او به تورانیان، برای بازسازی صوری داستان و حفظ تسلسل آن بوده است» (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۳۵).

علاوه بر حضور پریان در مرز دشمن و بیشه‌زارهای سرسبز، حضور آنان در قصرهای زیبا است که نشان از الهه بودنشان در گذشته دور است و سپس با منفی خواندن آنان در دین زرتشتی این تقدس از معابد، به کاخ‌های شاهان دشمن یا سرزمین زیبای آنان در شاهنامه دگردیسی (ر.ک: رستگارفسایی، ۱۳۸۸: ۱۰-۵۰) پیدا کرده است؛ به همین دلیل است که ته‌مین، دختر شاه سمنگان در کاخ پدر زندگی می‌کند (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۶۲). یا مادر سیاوش، خویش گرسیوز است و گهرهای فراوان داشته است (همان: ۳۰۴) و منیژه نیز در کاخ پر از گنج زندگی می‌کند و

کنیزکان بسیار دارد (همان: ۶۴۶-۶۴۷). در گرشاسب‌نامه نیز قصرهای زیبای پریان جای خود را به شهر زیبای زابلستان می‌دهد که جایگاه دختر اورنگ‌شاه است و جمشید در باغی همچون بهشت آن دختر زیبا را می‌بیند (اسدی‌طوسی، ۱۳۹۳: ۲۴). حضور پری در قصرها و سرزمین دوردست (دشمن)، علاوه بر خویشکاری فریبندگی و اغواگری که با نمایش زیبایی و عشق‌ورزی در پی فریب پهلوانان حماسی همراه است، می‌تواند نمودی از آنیما (arctipe) باشد (جقتایی و انصاری-پویا، ۱۳۹۴: ۶۴). کهن‌نمونه آنیما با سویه مثبت و روشن خود در دورترین نقطه ذهن ناخودآگاه قهرمان نهفته است و دست‌یابی به آن موجب کمال و خودآگاهی بوده و نهایت خواست و آرزوی آدمی است (یونگ، ۱۳۸۹: ۲۷۰). آنیما در سویه مثبت خود، گاه به شکل زنانی «پری‌گونه» فرافکنی می‌شود به‌گونه‌ای که مرد کم‌وبیش هر چیز افسون‌کننده‌ای را به آن‌ها نسبت می‌دهد و درباره آن‌ها انواع خواب‌ها را می‌بیند (همان: ۲۷۵).

۳-۱-۲. پیکرینه شدن پری (آهو، گوزن، گور و...) و رویارویی با آن

یکی از عناصر مربوط به ساختار پریان، تجسد آنان در قالب نخچیر، گور، آهو و گوزن؛ یعنی همان «نمایان شدن در هیئت‌های مختلف است» (هینلز، ۱۳۹۳: ۱۶۷). با فرستادن یکی از این جانوران برای راهنمایی شهریار یا پهلوان موردنظر به جایگاه پری یا مکانی که نشانه‌ای از پری در آن وجود دارد، نرینه را شیفته خود می‌کند (مزدآپور، ۱۳۸۷: ۳۰۴). در داستان بیژن و منیژه، رستم و سهراب و سیاوش، به شکار رفتن پهلوانان در دشتی که پر از گور است، چنین استنباط می‌شود که حضور گور نشانه‌ای از جلوه‌نمایی و عشق‌برانگیزی پریان و رساندن پهلوان به پری است. فی‌الواقع حضور و تکرار بن‌مایه گور در ابتدای داستان داستان بیژن و منیژه، رستم و سهراب و سیاوش که با شکار همراه است، به‌نوعی بن‌مایه اصلی داستان را حفظ کرده است و در شاهنامه به دلیل دگردیسی و عقلانی کردن داستان‌ها، این ساختار دچار تغییرات و دگرگونی‌هایی شده است که از نوع کاهش جنبه قدسی اساطیر آن دوران است؛ بنابراین حضور و تکرار گور در سه داستان، به‌نوعی وسیله راهنمایی پهلوان به سمت پری است. رستم پس از شکار گور به خواب می‌رود و سپس برای یافتن اسبش به شهر سمنگان راهی می‌شود. گیو و طوس نیز در پی شکار گوران به بیشه‌ای می‌رسند و مادر سیاوش را می‌یابند. بیژن نیز در پی شکار گوری به سمت منیژه راهنمایی می‌شود (از زبان گرگین). پس گور در هر سه داستان به‌نوعی تجسد خود ته‌مینه، مادر سیاوش و منیژه است. در داستان سیاوش مادر او چنین توصیف می‌شود:

گوزنست، اگر آهوی دلبرست شکاری چنین از در مهتر است
(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۰۵)

در داستان بیژن و منیژه نیز گور وسیله راهنمایی بیژن است و به شکلی زیبا توصیف می شود (همان: ۶۵۷). در داستان زال و رودابه، پیکرینه شدن پری در قالب آهو نیز از سوی کنیزکان رودابه مطرح شده است (همان: ۱۱۰).

۲-۱-۴. زیبایی، جادویی و فریبندگی خیره کننده پری

یکی دیگر از عناصر مربوط به ساختار پریان در پیوند با نقش باروری آنان، زیبایی خیره کننده همراه با افسونگری، جادوگری و فریبندگی آنان است. توصیف زیبایی که در هر سه داستان غنایی شاهنامه نمودی چشمگیر دارد. با توجه به نقش بغانه و ایزد بودن پریان، اغلب آنان به صورت دختر جوان زیبارویی نمودار می شوند و مردان را می فریبند؛ به همین دلیل یکی از معانی پری، «انسان بسیار زیبارو و جوان» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۷۴) است. پری در شاهنامه، «نماد کمال و زیبایی است» (هینلز، ۱۳۹۳: ۱۶۷) و این زیبایی خیره کننده کارکردی دوسویه دارد: «گاهی موجب فریفتن و اغوای قهرمانان شده و آن‌ها را از مسیر درست منحرف می کند و گاهی در قبيله دشمن با فریفتن دشمنان قهرمانان، یاریگر آنان در رسیدن به اهدافشان است» (ستاری و خسروی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). در داستان رستم و سهراب بر زیبایی تهمینه تأکید شده و چنین توصیف می شود:

پس پرده اندر یکی ماه روی چو خورشید تابان پراز رنگ و بوی
دو ابرو کمان و دو گیسو کمند به بالا بگردار سرو بلند
روانش خرد بود و تن جان پاک تو گفתי که بهره ندارد ز خاک
(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۶۲)

در داستان سیاوش، ترکیبات و تصویرهایی چون خوب رخ، فریبنده ماه، سروبن، خورشید، گوزن، آهو، بت و پری چهره بر زیبایی خیره کننده مادر سیاوش دلالت دارند (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۳۱) و این فریبایی و دل انگیزی به حدی است که نزدیک است میان پهلوانان ایران درگیری رخ دهد. کیکاووس نیز با دیدن او بی درنگ دل می بازد و او را مهتر شبستان خویش می کند. فردوسی به زیبایی و دلبری پری وار مادر سیاوش اشاره می کند (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۰۴-۳۰۵). منیژه نیز بسیار زیبارو و خیره کننده توصیف می شود (همان: ۶۴۴). کنیزکان رودابه نیز برای اغفال زال و انجام خویشکاری خود، چنین توصیف می شوند:

به دیبای رومی بیاراستند سر زلف بر گل بپیراستند
 برفتند هر پنج تا رودبار ز هر بوی و رنگی چو خرم‌بهار
 (همان: ۱۱۰)

دلیل دیگر برای وصف زیبایی دل‌فریب پریان در متون ادبی، حماسی و اساطیری، «فرافکنی عنصر مادینه [جلوه‌ای از آنیمای مثبت] است که سبب می‌شود مرد به هنگام برخورد با «او» [پری] پندارد همان زنی است که در جستجوییش بوده و چنان شیفته‌اش می‌شود که گاهی حالت دیوانگی به وی دست می‌دهد» (یونگ، ۱۳۸۹: ۲۷۵). به همین دلیل رستم، گیو، طوس، کیکاووس و بیژن پس از رویارویی با پری و گفتگوهایی که بین آن‌ها شکل می‌گیرد، شیفته و شیدای پری (تهمینه، مادر سیاوش و منیژه) می‌شوند. از ویژگی‌های دیگر پریان، جادوگری (خردادیشت، بند ۳) و فریبندگی، پیوند با آب و پدیدارشدن به شکل‌های گوناگون است. در وندیداد (فرگرد ۱۱، بند ۹) پئیریکا می‌تواند خود را در آتش، آب، زمین، چهارپا و گیاه پنهان کند. در داستان زال و رودابه (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۱۰) و بیژن و منیژه بر جنبه جادوگری پری تأکید شده است (همان: ۶۵۰). به نظر می‌رسد جادوگری را پس از اصلاحات دین زرتشتی به پریان نسبت داده‌اند و دگرگونی چهره آنان سبب می‌شود تا به زنانی زشت و پیر که به نوعی با کاهش میل جنسی مردان (سرکوب) همراه است، ظاهر شوند و این درست در تضاد با نقش بغانه و زیبایی خیره‌کننده پریان است. این مهم در داستان هفت‌خان رستم و اسفندیار در خان چهارم اتفاق می‌افتد. زنانی زیبارویی که قصد اغوای پهلوانانی چون رستم و اسفندیار را دارند؛ اما این دو پهلوان با به زبان آوردن اسم یزدان و وجود حرز بهشتی بر بازوی اسفندیار (پهلوان دین زرتشتی)، سبب باطل شدن طلسم زنان زیبارو می‌شود و آنان به زنانی زشت و پیر تبدیل شده که در نهایت به دست دو پهلوان کشته می‌شوند.

۵-۲. پیوند پری با خواب و رؤیا (جنون عشق پریان)

یکی دیگر از عناصر مربوط به ساختار پریان، پیوند آنان با خواب، رؤیا و به نوعی شب است. در فرهنگ عوام، پری معمولاً در شب در کنار بیشه‌زارها و چشمه‌ها راه بر مردان و جوانان می‌بندد و قصد فریب آنان را دارد. از ویژگی‌های پئیریکا در *اوستا* نیز پیوند آنان با خواب و رؤیاست که در فروردین‌یشت (کرده ۲۴، بند ۱۰۴) آمده است که «فرور هر پاک‌دینان را می‌ستاییم از برای مقاومت کردن ضد خواب‌های بد و نشانه‌های بد و پری‌های بد». پس پری‌ها با یاری خواب‌های بد به مردم مسلط می‌شوند و به آنان تسلط‌یافته و فریشتان می‌دهند؛ همان‌گونه که پری خنثائیتی گرشاسپ را

اغفال می کند و به خواب بد و بی خودی (بوساشپی) دچارش می سازد. این افسانه عصر اوستایی تاکنون در باورهای عامیانه و فرهنگ توده باقی مانده است (رضی، ۱۳۸۱: ۵۳۸)

از گذشته های دور نیز از ویژگی های پری، پیوند او با جنون و رؤیا و به عبارتی پری زدگی بوده است (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۲۰). در داستان های مربوط به پریان، آنان برای فریبندهی و ایجاد عشق، در شب، خواب و رؤیا پدیدار می گردند و در این دیدار مرد به دام عشق و جنون می افتد. این بن مایه در داستان داستان بیژن و منیژه، رستم و سهراب و سیاوش حفظ شده است. رستم پس از شکار گوران و خواب، رخس را گم می کند. برای یافتن آن به شهر سمنگان می رود که با استقبال شاه و بزرگان آن شهر روبه رو می شود. شب هنگام زمانی که رستم در خواب است، تهمینه نزد او می آید:

چوبک بهره از تیره شب درگذشت شباهنگ بر چرخ گردان بگشت
یکی بنده شمعی معنبر به دست خرامان بیامد به بالین مست
پرسید از تو چیست: نام تو چیست؟ چه جویی شب تیره کام تو چیست؟

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۶۳)

در داستان بیژن و منیژه نیز این بن مایه حفظ شده است (همان: ۶۴۹-۶۵۰). در داستان سیاوش این ویژگی به این شکل مطرح نشده است؛ اگرچه بن مایه اصلی خود را حفظ کرده است:

شب تیره مست آمد از دشت سور همان چون مرا دید، جوشان زدور

(همان: ۳۰۵)

ارتباط پری با شب در داستان سیاوش بدین گونه است که مادر سیاوش از خویشان گرسیوز است و وی شبانگاه به دلیل مستی پدرش و دوری از آزار او به بیشه پناه می برد. می توان چنین تصور کرد که خود گرسیوز شبانه پری (مادر سیاوش) را به بیشه زار می فرستد تا پهلوانان ایران را بفریبد، هر چند که پهلوانان ایرانی هنگام روز او را می یابند؛ بنابراین ارتباط پری با عنصر شب در این داستان حفظ شده است اگرچه مانند داستان رستم و سهراب و بیژن و منیژه الگوی ساختاری آن (آمدن پری به بالین پهلوان در شب و خواب) کاملاً حفظ نشده و دچار تغییرات شده است. ارتباط با شب، غیب گویی و آگاهی از اسرار پنهان که از ویژگی های پریان به شمار می رود در جهت اغوای قهرمان است که این مهم در پیوند با نقش او «به عنوان زن - روحانی در دوران کهن است» (دلاشو، ۱۳۶۶: ۲۴۷). تهمینه در شکلی تخفیف یافته و شب هنگام که با رستم روبه رو می شود به توانایی های او در جنگ اشاره می کند که تعجب رستم را برمی انگیزد.

۲-۱-۶. ابراز عشق و علاقه پری به پهلوان

پریان به‌عنوان ایزدبانوان زایش و باروری، چون زنان زیبا، تجسم ایزدینه میل و خواهش جنسی بوده‌اند و به‌منظور بارور شدن و زاییدن در راستای به دام انداختن و اغوای شاهان و پهلوانان از زیبایی و ابراز عشق و علاقه به آنان بهره می‌گرفتند (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۵). این کارکرد جنسی - شهوانی پری یکی از بارزترین و مهم‌ترین ویژگی‌های اوست و برگرفته از خویشکاری زاینده‌گی و باروری پری است که در معنی اصلی نام پری به معنی «زاینده و بارور» (همان: ۴) منعکس شده و این‌چنین مسئولیت برانگیختن عشق و میل به آمیزش را بر عهده داشته است. در داستان‌های غنایی شاهنامه با بن‌مایه اسطوره‌ای پریان، تهمینه، مادر سیاوش و منیژه به‌عنوان یکی از طرفین عشق و کنیزکان رودابه به‌عنوان واسطه دل بستن زال و رودابه، همواره به‌قصد باروری و زایش، در پی اغوا و به دام انداختن پهلوانان و شهریاران هستند. زیبایی خیره‌کننده تهمینه، مادر سیاوش و منیژه سبب می‌شود تا رستم، کیکاووس و بیژن سخت دلداه آنان شوند و نکته جالب‌توجه این است که آنان نسبت به پهلوانان و شهریاران اظهار عشق و علاقه می‌کنند. چنانکه تهمینه بی‌پروا عشق خویش را فاش می‌سازد (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۶۴). در داستان رستم و سهراب، ابتدا شاه سمنگان به رستم قول می‌دهد که رخش را برای او بیابد، در اینجا چه معنی دارد که تهمینه نیمه‌شب به خوابگاه رستم برود و به او قول بدهد که رخش را خواهد یافت و رستم به خاطر همین سخن، با تهمینه همخوابگی کند؟ فی‌الواقع رباینده رخش خود تهمینه است؛ اما به دلیل عقلانی شدن داستان‌ها و تغییر جایگشت-ها (Displacement) در شاهنامه (مختاریان، ۱۳۹۲: ۳۸)، بخشی از نقش تهمینه به شاه سمنگان و سواران توران داده می‌شود. با توجه به همین دلیل می‌توان آمیزش یا همخوابگی تهمینه در نیمه‌شب بر بالین رستم را توجیه کرد. همچنین در اصل «پذیرنده رستم همان تهمینه بوده است و سپس تر موضوع پدر تهمینه را وارد داستان کرده‌اند» (خالقی مطلق، ۱۳۸۸: ۹۴). مادر سیاوش نیز نسبت به کاووس اظهار عشق و علاقه می‌کند (همان: ۳۰۵). در داستان بیژن و منیژه نیز این بن‌مایه حفظ و تکرار شده است (همان: ۶۴۵).

۲-۱-۷. باروری پری از پهلوان

باروری از پهلوانان و شهریاران، از اهداف اصلی پریان و عشق‌ورزی آنان به پهلوانان در متون حماسی با توجه به نقش زاینده‌گی آنان است. پری که شیفته پهلوان یا پادشاه (نوع انسان) است، آنان را عاشق خود می‌کند و با آمیزشی که صورت می‌گیرد، نقش باروری خویش را اجرا می‌کند. تهمینه

و مادر سیاوش بدین طریق وظیفه اساطیری خود؛ یعنی باروری و زاینده‌گی را با به دنیا آوردن سهراب و سیاوش (فرزندآوری) انجام می‌دهند. در داستان بیژن و منیژه چنین بن‌مایه‌ای با توجه به تغییرات داستانی باز حفظ شده است؛ زیرا زنی بیگانه، بیژن (پهلوان) را فریب می‌دهد و هرچند در داستان از تولد فرزند سخنی در میان نیست، اما نتیجه نهایی، آشنایی جنگ دو قبیله است. اما هدف پریان از عشق‌ورزی و آمیزش با پهلوانان و شهریان ایرانی در شاهنامه چیست؟ در داستان بیژن و منیژه، منیژه هدف خود از بودن در کنار بیشه‌زار در فصل بهار را چنین توصیف می‌کند:

که من سالیان تا بدین مرغزار همی جشن سازم به هر نوبهار
(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۶۴۵)

گویا هدف آنان، اغوای پهلوان و ربودن تخمه از آنان است؛ بن‌مایه‌ای که در هر سه داستان شاهنامه حفظ و بیان شده است و بر نقش سیاسی - اجتماعی آنان تأکید دارد. در هیچ‌یک از این داستان‌ها، رابطه پهلوان با زن، پیوند رسمی دو قبیله نیست و معمولاً چنین پیوندی یک‌شبه است. به همین دلیل آن‌ها «فاقد خصلت اقتصادی‌اند و در هیچ‌یک از آن‌ها چیزی از نوع جهیزیه ردوبدل نمی‌شود و جشن ازدواج برپا نمی‌گردد» (مزدآپور، ۱۳۵۴: ۱۱۵). همچنین این مطلب بیانگر الحاقی بودن ابیات مربوط به آمدن موبد در به عقد درآوردن رستم و ته‌مین در نیمه‌شب است (خالقی مطلق، ۱۳۸۸: ۷۰). فی الواقع رستم نه برای ازدواج، بلکه برای شکار به مرز توران می‌رود و به دام ته‌مین می‌افتد، پس اطلاق هرگونه ازدواج بر این آمیزش یک‌شبه اشتباه است. در داستان رستم و سهراب، فرزندی که حاصل پیوند یک‌شبه است، به بهانه یافتن پدر دست به جنگ با قبیله پدر می‌زند. معمولاً پدر، پهلوان پیر و مجرب در این نبرد پیروز می‌شود. «یگانه انگیزه پذیرفتنی که به ذهن می‌رسد، به دست آوردن تخمه پهلوان بنام قبیله دشمن است به این مقصود که تنها فرزندی از پشت خود او قادر است بر او و بر قبیله پدر غالب گردد. بر این اساس، زن منتخب باید اغواگر و افسونگر باشد و بتواند دل از پهلوان بریابد» (مختاریان، ۱۳۹۲: ۵۰). از آنجاکه حفظ تخمه و نژاد در گذشته بسیار مهم بوده است و می‌بایست در حفظ آن کوشید؛ بنابراین داستان جنبه هشداردهنده دارد. ارتباط یک‌شبه با پری بدون پیوند رسمی میان دو قبیله، خطر بروز جنگ را در پی دارد. پسر قبیله دشمن چون از نیروی پدر بهره‌مند می‌گردد، پس بیم نابودی قبیله پدر می‌رود؛ به همین دلیل بین آن دو جنگی درمی‌گیرد و در نهایت با کشته شدن پسر، قدرت به حوزه خودی (سرزمین پهلوان) بازمی‌گردد؛ بنابراین باروری از پهلوان قبیله دشمن و پیوند یک‌شبه پریان با پهلوان در شاهنامه (با توجه به بیگانه

شمردن پری) باهدف سیاسی و به منظور آمیختگی نژادی و به دست آوردن نطفه‌ی مربوط به پهلوان است و نه الگوی باروری؛ زیرا اگر قهرمان زن فاقد نقش سیاسی - اجتماعی می‌بود و صرفاً انگیزه‌ی باروری می‌داشت، در جوامع کهن منفی تلقی نمی‌شد. با توجه به مبحث ذکرشده، در داستان رستم و سهراب، ما شاهد جنگ‌خواهی سهراب به منظور نابودی قبیله‌ی پدر هستیم؛ به همین دلیل سهراب نه تنها در پی آگاهی یافتن از خط نژادی خود است؛ بلکه در پی برانداختن کیکاووس (قبیله‌ی دشمن) هم هست (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۶۶). افراسیاب نیز با او متحد و حتی به مسئله‌ی روانی قضیه بسیار آگاهی دارد و به دو پهلوان خود، هومان و بارمان تأکید می‌کند که پدر و پسر نباید همدیگر را بشناسند (همان: ۲۶۶). به همین دلیل سهراب خود را پشت‌گرم به بخت افراسیاب می‌داند (همان: ۲۷۸). سیاوش نیز به‌نوعی ناخواسته با قبیله‌ی پدری (کیکاووس) درگیر می‌شود؛ زیرا پیوند میان مادرش با کیکاووس، پیوند رسمی نیست و نیز فاقد جهیزیه (روابط اقتصادی) و جشن ازدواج است. در داستان سیاوش، عامل قدرت خارج از حوزه‌ی قدرت خودی در اختیار بیگانه قرار می‌گیرد و پس از مرگ سیاوش و با برگشت کیخسرو به حوزه‌ی قدرت خودی، پس‌ازآنکه در اختیار قدرت بیگانه قرار گرفته بود، به حوزه‌ی خودی بازمی‌گردد (مختاریان، ۱۳۹۲: ۵۷).

در داستان بیژن و منیژه از باروری منیژه از پهلوان سخن رفته است، لیکن خبری از زایش فرزند نیست (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۶۴۶). دلیل خشم افراسیاب بر منیژه را می‌توان چنین تحلیل کرد که نقش پری آن است که تخمه از پهلوان دشمن برآید و سپس با پرورش آن، قبیله‌ی دشمن را در معرض نابودی قرار دهد؛ اما از آنجاکه منیژه نقش خود را به‌خوبی ایفا نمی‌کند و بر بیژن عاشق می‌شود و او را به کاخ خود می‌آورد، سبب خشم پدر می‌گردد و افراسیاب چنین رابطه‌ای را خوارمایه می‌داند و منیژه را از خود دور می‌کند.

۱-۲-۸. غیبت پری پس از زایش

یکی دیگر از مضامین مربوط به خویشکاری پریان در داستان‌های غنایی شاهنامه، غیبت ناگهانی پری پس از زایش است. پری پس از ازدواج با انسان و به دنیا آوردن فرزند، ناگهان همسر و فرزند خویش را رها می‌کند و غایب می‌شود (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۴). این مضمون را می‌توان چنین تحلیل کرد که وظیفه‌ی پری فقط باروری و زادن فرزند است و پس از ادای آن دیگر نیازی به حضور او در داستان نیست. در داستان سیاوش، مادر وی پس از زایش و به دنیا آمدن سیاوش، ناگهان و بدون هیچ اشاره یا تمهیدی از روند داستان غایب می‌شود (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۳۷) و حتی در رویدادهای مهمی

همچون تربیت فرزند، ماجرای سودابه و گذر سیاوش از آتش، رفتن او به توران و رسیدن خبر کشته شدنش به ایران کوچک‌ترین نشانه‌ای از مادر وی دیده نمی‌شود به گونه‌ای که اصولاً باید در چنین مواقعی حضور داشته باشد. وجود ابیاتی که بر مرگ مادر سیاوش پس از زادن او در برخی نسخه‌ها تأکید دارد را «با استناد به دست‌نویس‌های معتبر و تصحیح انتقادی الحاقی می‌دانند» (همان: ۳۷) و هدف از آوردن این ابیات، تلاش کاتبان برای تکمیل روایت فردوسی است. مادر سیاوش با دلربایی از کاووس و زادن سیاوش و سپس ناپدید شدنش، نقش اساطیری و مقدس خود را نمودار ساخته و سرگشتگی و کشته شدن فرزند او، سوبه اهریمنی و مفهوم زرتشتی این موجود اسطوره‌ای را نشان داده است. با توجه به کارکرد سیاسی - اجتماعی مادر سیاوش به‌عنوان پری، می‌توان «همسانی سودابه به‌عنوان مادر سیاوش» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۵۶۸-۵۶۹) را رد کرد. در داستان رستم و سهراب، پس از زاده شدن سهراب و رفتن او به ایران‌زمین، دیگر تا پایان داستان نشانی از ته‌مینه نیست. حتی پس از کشته شدن فرزندش، از حضور مادر در سوگواری او سخنی به میان نمی‌آید. در این داستان نیز «بعضی از کاتبان برای جبران نقصان ظاهری روایت، ابیاتی در شیون و زاری ته‌مینه بر سهراب و سرانجام مرگ او در اندوه فرزند بر دست‌نویس‌های شاهنامه الحاق کرده‌اند» (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۴۱).

۹-۲. پایان شوم (آسیب و مرگ) در پیوند با پری

هرگونه عشق‌ورزی با پریان به دلیل پیوند آنان با جنون و کابوس (به‌ویژه در خواب) و نیز سرانجام ارتباط ناخوشایند پهلوانان با آنان، فرجامی شوم دارد و شهریار یا پهلوانی که با پری پیوند گرفته است، دچار سرگردانی یا مرگ می‌شود (اسپرغم، ۱۳۹۵: ۲۹۲). این بن‌مایه در اساطیر و داستان‌های یونانی، هندی و ایرانی نمود دارد و نشان می‌دهد که بن‌مایه‌ای مشترک هندواروپایی است (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۷) که در داستان‌های بیژن و منیژه، رستم و سهراب، سیاوش حفظ شده است. در داستان بیژن و منیژه، آسیب احتمالی ناشی از پیوند با پری (منیژه) به خود بیژن انتقال می‌یابد. منیژه در نقش پری فریبنده کام‌جو، بیژن را به سرزمین بیگانه می‌کشاند که برای نجات او، رستم و دیگر پهلوانان ایران ناگزیر به توران می‌آیند و پیامد آن، جنگ و پیکار است. در داستان رستم و سهراب و سیاوش با انتقال حماسی آسیب از همسر پری به فرزند او به‌نوعی بازمانده است و آن آوارگی سیاوش، در توران و فرجام بی‌گناه و ناجوانمردانه کشته شدن اوست. انتقال بدعاقبتی از همسر پری به فرزند او در داستان رستم و سهراب هم به چشم می‌خورد. سهراب نیز در غربت و

ناکامی کشته می‌شود و این همان سرانجام ناگوار ازدواج با پری است که در این دو داستان بنا به سنت انتقال حماسی، از همسران پریان (کاووس و رستم) به فرزندان آنها (سیاوش و سهراب) منتقل شده است. در داستان زال و رودابه، با توجه به الگوی ساختاری پریان، نه وی؛ بلکه کنیزکان او در نقش پری و به‌عنوان واسطه ظاهر می‌شوند. چراکه آنان پس از ایفای نقش خویش (وصال زال و رودابه) بدون هیچ تمهیدی از داستان حذف می‌شوند. اینکه نمی‌توان رودابه را در شمار پریان به حساب آورد این است که وی در الگوی ترسیم‌شده نقشی را همانند تمینه، مادر سیاوش و منیژه ایفا نمی‌کند و وصال او با زال نیز از نوع رابطه برون‌همسری است که منجر به تولد رستم می‌شود و رودابه حتی پس از مرگ رستم در شاهنامه حضور دارد.

۳- نتیجه

در داستان بیژن و منیژه، رستم و سهراب و سیاوش، بر ویژگی‌های مثبتی چون زیبایی، پیوند با بیشه‌زار و آب، ابراز عشق به پهلوان و باروری از آن (بینش پیشازرتشتی) و منفی مانند اغوای پهلوان، جادوگری، ارتباط با خواب، پیکرینه شدن و پایان شوم (بینش زرتشتی) پریان تأکید شده است که معمولاً در جامعه شکارگر و در مرز دشمن در کنار بیشه‌زارها نمودار می‌شوند که سعی در اغوای پهلوانان داشته و بن‌مایه‌ای هندواروپایی دارند؛ بنابراین منیژه، تمینه، مادر سیاوش و همچنین کنیزکان رودابه با خویشکاری پری با بیژن، رستم، گیو، طوس و کیکاووس و زال رابطه برقرار می‌کنند. وجود عناصری مشابه و تکراری (پریسامد) مانند نخچیر و شکار، حضور گور (یا آهو و گوزن)، بیشه‌زار و آب، ارتباط در شب و هنگام خواب، زیبایی خیره‌کننده، عشق‌ورزی به پهلوان، آمیزش با زن زیبارو و پایان شوم حاصل از این پیوند در سه داستان شاهنامه، نشان از الگویی دارد که ساختار زندگی پریان را نشان می‌دهد. با توجه به بسامد عناصر مشابه و تکراری و یاری‌گرفتن از منابع گوناگون و تحلیل ابیات شاهنامه می‌توان الگوی خویشکاری پریان در داستان‌های غنایی شاهنامه را چنین مطرح کرد:

۱. پهلوان برای شکار به مرز دشمن می‌رود، ۲. در آنجا به شکار گور (آهو و گوزن) می‌پردازد و بعضاً این حیوان او را به سمت بیشه‌زار می‌کشاند، ۳. پهلوان در کنار بیشه‌زار و آب با زنی زیبارو روبه‌رو می‌شود، ۴. زن بسیار زیبا و همراه با افسونگری توصیف می‌شود به‌گونه‌ای که پهلوان را اغوا و شیدای خود می‌کند، ۵. زن زیبارو در شب (هنگام خواب یا در رؤیا) به بالین پهلوان می‌آید، ۶. عشق خود به پهلوان را بیان می‌کند، ۷. هدف خود را از آمیزش با پهلوان، باروری و داشتن فرزند

مطرح می‌کند، ۸. پس از زایش فرزند، پری ناگهان و بدون هیچ تمهیدی غایب می‌شود و ۹. پهلوان به دلیل ارتباط و آمیزش با پری دچار سرگردانی و آسیب (مرگ) می‌شود. گاهی بنا به سنت انتقالی از اسطوره به حماسه این آسیب از خود پهلوان به فرزند پهلوان منتقل می‌شود. مهم‌ترین کارکرد ساختار سیاسی - اجتماعی پریان، الگوی باروری و زایش و اغوای قهرمانان و شاهان برای ربودن تخمه و نابودی قبیله دشمن است. این نقش در داستان بیژن و منیژه از سوی منیژه نقض می‌شود و به همین دلیل افراسیاب از او بیزار می‌شود و او را از خود دور می‌کند.

۴- منابع

۱. آیدنلو، سجاد، «فرضیه‌ای درباره مادر سیاوش»، نامه فرهنگستان، سال ۷، شماره ۳، صص ۲۷-۴۶، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، آذر، ۱۳۸۴.
۲. اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد، گرشاسب‌نامه، به تصحیح حبیب یغمایی، چاپ سوم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۹۳.
۳. اسپرغم، ثمین، دانشنامه فرهنگ مردم ایران، چاپ اول، جلد دوم، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۵.
۴. بی نام، اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، چاپ هفدهم، تهران: مروارید، ۱۳۹۲.
۵. _____، شایست‌نشایست، آوانویسی و ترجمه کتایون مزداپور، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
۶. پورداوود، ابراهیم، یسنا، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰.
۷. جقتایی، صادق و انصاری پویا، محمد، «تحلیل کهن‌الگویی داستان زال و رودابه». پژوهشنامه ادب غنایی، سال ۱۳، شماره ۲۴، صص ۵۹-۷۶، دانشگاه سیستان و بلوچستان، بهار و تابستان، ۱۳۹۴.
۸. خالقی مطلق، جلال، یادداشت‌های شاهنامه، جلد ۱-۳، چاپ اول، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۹. _____، گل رنج‌های کهن، به کوشش علی ده‌باشی، تهران: ثالث، ۱۳۸۸.
۱۰. دلاشو، م. لوفلر، زبان رمزی قصه‌های پریوار، ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، تهران: توس، ۱۳۶۶.

۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۴، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۲. دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ پنجم، تهران: علمی - فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۳. رستگارفسای، منصور، پیکرگردانی در اساطیر، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
۱۴. رستگاری‌نژاد، سحر و باقری، معصومه، «حضور ایزدبانوان پیشین در شاهنامه»، جستارهای ادبی، سال ۴۸، شماره ۱، صص ۶۷-۸۶، دانشگاه فردوسی مشهد، بهار، ۱۳۹۴.
۱۵. رضی، هاشم، دانشنامه ایران باستان، جلد اول، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
۱۶. ستاری، رضا و خسروی، سوگل، «ویژگی‌های پری در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه»، جستارهای ادبی، سال ۴۸، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۴۰، دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز، ۱۳۹۴.
۱۷. سرکاراتی، بهمن، سایه‌های شکارشده، چاپ سوم، تهران: طهوری، ۱۳۹۳.
۱۸. عظیمی‌پور، نسیم، دیو در شاهنامه. چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۹۲.
۱۹. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، ج ۱، پیرایش جلال خالقی مطلق، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۹۳.
۲۰. فریزر، جیمز جرج، شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ ششم، تهران: آگاه، ۱۳۸۸.
۲۱. مختاریان، بهار، درآمدی بر ساختار اسطوره‌ای شاهنامه، چاپ دوم، تهران: آگه، ۱۳۹۲.
۲۲. مزدپور، کتایون، «نشان‌های زن - سروری در چند ازدواج داستانی در شاهنامه»، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۹۴-۱۲۱، ۱۳۵۴.
۲۳. _____، «افسانه پری در هزارویک‌شب»، شناخت هویت زن ایرانی، به‌کوشش شهیلا لاهیجی و مهرانگیز کار، چاپ چهارم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۷.
۲۴. ملک‌زاده، مهرداد، «سرزمین پریان در خاک مادستان»، نامه فرهنگستان، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۴۷-۱۹۱، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، آذر، ۱۳۸۱.
۲۵. هینلز، جان راسل، شناخت اساطیر ایران، ترجمه محمدحسین باجلان‌فرخی، چاپ چهارم، تهران: اساطیر، ۱۳۹۳.
۲۶. یونگ، کارل گوستاو، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، چاپ هفتم، تهران: جامی، ۱۳۸۹.